

نوشته شده توسط: م. ع. اطرافي

## ضرورت تاريخي حل مسايل ملي در افغانستان

افغانستان کشور واحد و ملت واحد میباشد که از اقوام مختلف ترکیب و تشکیل گردیده که صد ها سال برادر وار با هم یکجا در فضاي صلح، دوستي، همکاري و همدلي زیست و زندگي کرده اند. تعدد نژاد، لسان، رسوم و عنعنات مردم ما از جمله سرمایه های فرهنگی و ملي کشور ما میباشد که فرهنگ و تاريخ کشور ما را غني تر و رنگين تر ساخته است. در بين توده های مردم ما مشکل مسايل ملي اصلاً وجود ندارد و باهم در همدلي و هم آهنگي بسر میبرند. مشکل اصلي و اساسي در محافل حاکمه، افراط گرایان و قدرت طلبان نژادي، قومي و مذهبي نهفته است که بخاطر کسب و انحصار قدرت دولتي و منافع شخصي اختلافات را آگاهانه و یا نا آگاهانه دامن میزنند. و میخواهند مسايل ملي را از روي تنگ نظري ها و تک نگاه ها و منافع شخصي خودشان با شیوه های غیر دوستانه بالاي یکدیگر تحميل نمایند که هیچگاه نتایج مثبت از آن بدست نیامده و نخواهد آمد.

امروز مسايل ملي ما نسبت به هر زمان گذشته در برابر دسایس دشمنان افغانستان آسیب پذیر شده است. زیرا در پهلوي افراطیون نژادي، قومي، مذهبي و قدرت طلبان؛ حلقات مافیایی، حامیان کشورهای خارجي و سازمان های استخباراتي خارجي تفرقه ملي را در افغانستان دامن میزنند و در پی بي ثباتي افغانستان تلاش مینمایند که صداهای منحوس تجزیه افغانستان از حنجره های شان زمزمه میشود. ادامه جنگ تروریزم و انتي تروریزم در افغانستان تناب های وحدت ملي و تمامیت ارضي کشور ما را سست نموده و بمخاطره انداخته است. اوضاع و حالات جاري در افغانستان حل مسايل ملي را در کشور ما پیچیده تر و مغلق تر ساخته است. ایجاب مینماید که در برابر حل مسايل ملي از عقل سلیم، تدبیر سالم و شیوه های برخورد دوستانه با هوشیاري و درایت کامل کار گرفته شود تا زمینه مداخله دشمنان در امور داخلي افغانستان دفع و خنثي شده بتواند.

بخصوص در شرایط کنونی که افغانستان تحت اشغال قرار دارد وحدت ملي در سرخط

اهداف ستراتیژیک کشور ما قرار دارد که در تأمین صلح و آزادی افغانستان نقش تعیین کننده را ایفا کرده میتواند. .

هر نوع نشرات و تبلیغات تحریک کننده، اشتباهات و تخریبات توسط افغانها علیه وحدت اقوام با هم برادر افغانستان در این مقطع خاص تاریخی به ضرر افغانستان تمام میشود و آب را به آسیاب دشمنان افغانستان میریزد و در نهایت امر تکرار اشتباهات بحیث خیانت ملی در تاریخ کشور ما ثبت میشود. باید محافل حاکمه سنت گرای کشور ما این واقعیت را درک نمایند که هیچ قوم در افغانستان اکثریت مطلق بالاتر از چهل فیصد را ندارد. از جانب دیگر تغییرات شگرفی در سطح جهان و افغانستان به نفع حکومت های دموکراتیک بوجود آمده و دولت های دکتاتوری را به هرچهره ای که ظهور کنند منتهی میسازد. دولت های سنت گرا دیگر نمیتوانند به شیوه های سابق بالای مردم حکومت کنند. باید این حقایق شیرین و یا تلخ را بپذیرند و به انتخابات آزاد، شفاف، سری، مستقیم و دموکراتیک تن در دهند. و زمینه را برای تشکیل دولت فراگیر ملی مساعد سازند. و به نا رضایتی و بحران قومی برای همیشه خاتمه داده شود. تا دولت و ملت فرصت پیدا کنند که مشترکاً در راه پیشرف و ترقی کشور و رفاه اجتماعی مساعی شانرا بخرچ دهند و فاصله بین دولت و مردم آهسته آهسته از بین برود. افغانها در بخش های مختلف زندگی و افغانستان در بخشهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و عقب مانده های مزمین تاریخی مشکلات زیادی در پیشرو دارند باید همه ما درباره این مشکلات ها بیاندیشیم و در پهلوی انتقادات سالم باید در باره راه حلهای مشکلات و حل مسایل ملی با احساس مسئولیت وجدانی، ایمانی و ملی برخورد نماییم. از انتقادات تخریب کننده و غیر مسئولانه خودداری نماییم که نتایج معکوس ببار میآورد.

این سوال نزد افغانها مطرح است که در این مقطع زمانی چه باید کرد؟  
به نظر نویسنده مسایل ملی افغانستان به آسانی قابل حل است اگر هموطنان ما حل مسایل ملی را از چشمدید، نگاه ها، حقوق و منافع همه اقوام کشور صادقانه بررسی و بازرسی

نمایند و در باره تصمیم مشترک اتخاذ نمایند.

- حل مسایل ملی به همه اقوام و مردم افغانستان ارتباط دارد که پایه های وحدت ملی ما را عدالت اجتماعی، تساوی حقوق و دموکراسی واقعی از یک طرف و مسئولیت ها، وجایب و تعهدات افراد در برابر وطن، مردم و جامعه از جانب دیگر تشکیل میدهد که در قانون اساسی افغانستان تسجیل گردیده اما در عمل نقض شده میروند. باید بخاطر تطبیق بدون تبعیض مواد قانون اساسی بخصوص عدالت اجتماعی، تساوی حقوق و دموکراسی واقعی مشترکاً کار و مبارزه کرد تا همه اقوام و مردم افغانستان به حقوق مساوی شان نایل گردند و به وجایب و مسئولیت های ملی شان متعهد ساخته شوند.

جامعه افغانی به عدم رعایت قوانین و عدم رعایت اصول و موازین اجتماعی عادت کرده اند. باید جامعه افغانی از طریق مساجد، مکاتب، پوهنتون ها، رسانه های ارتباط جمعی و ادارات پولیس و غیره مؤسسات رهنمایی و رهبری شوند تا وجایب شان را در این زمینه اداء نمایند. بعد از شش ماه تبلیغ و ترویج به ناقضین قانون و ناقضین اصول و موازین اجتماعی جریمه های نقدی و جزای های تنبیهی داده شود. این امر بخاطری مهم است که بدون رعایت قوانین و عدم رعایت اصول و موازین اجتماعی ما نمیتوانیم جامعه متمدن افغانی را بسازیم و دموکراسی، عدالت اجتماعی و تساوی حقوق را در جامعه افغانی برقرار سازیم.

- نشرات و تبلیغات خصمانه جناح های افراطی قومی و مذهبی محکوم شود که توسط بعضی عناصر آگاهانه و یا نا آگاهانه علیه اقوام با هم برادر افغانستان صورت گرفته و میگیرد.

- یک کمیسیون عالی حل مسایل ملی افغانستان از علماء، دانشمندان، حقوق دانان و قانون پوهان و شخصیت های اجتماعی با تجربه و جوانان از تمام اقوام افغانستان ساخته شود تا جوانب مختلف قضایا و مسایل قومی، نژادی، لسانی و ملی افغانستان را مطالعه، تدقیق و بررسی نمایند. آراء، نظریات، خواستها و پیشنهادات هر قوم جمع آوری شود. و از لابلای

آن طرح حل مسایل ملي برمبنای موازین تساوی حقوق ، عدالت اجتماعی و دیموکراسی در چوکات يك نظام سالم و شفاف سیاسی واداری تدوین شود که قابل قبول همه اقوام و ملیت های افغانستان قرارگیرد. اتخاذ تصمیم، عملکرد و تطبیق چنین پلان های کاری، به معضلات قومی، نژادی، سمتی و ملي ما برای همیشه خاتمه میدهد و همه ملیت ها و اقوام افغانستان برای پیشرفت و ترقی کشور و بهبود زندگی مردم با داشتن اهداف مشترك ملي یکجا با هم کار و پیکار خواهند کرد. وحدت و اعتماد ملي اعاده و تأمین خواهد شد و از نتایج مثبت آن همه مردم ما مستفید خواهند گشت.

هموطنان عزیز! باید این حقایق را پذیرفت که همه اقوام کشور ما سیر تحولات بزرگ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی را در کشور ما ن و در مهاجرت طی چهار دهه اخیر با تلفات، فداکاری ها و قربانی ها و رنج های بیکران پیموده اند و در راه صلح، تأمین امنیت و تمامیت ارضی افغانستان از هیچگونه جانبازی ها دریغ نکرده اند. اوضاع و احوال مردم و کشور ما نسبت به گذشته ها از زمین تا آسمان تغییر و تفاوت کرده است. باید محافل حاکمه کشور ما این واقعیت ها ی نوین را در نظر گرفته افکار و ذهنیت های کهن شان را که دولت های مستبد را بر ملت ما تحمیل میکردند از سر و حافظه شان پاک نمایند و برای ایجاد وحدت ملي و دولت های دموکراتیک و ملي اذهان خود شان و زمینه عملی را فراهم سازند. هر نوع تلاش های غیردموکراتیک و اشتباهات در این مقطع زمان کشور ما را به بحران شکننده مواجه خواهد ساخت که مسئولیت آن متوجه کسانی خواهد بود که مرتکب چنین اشتباهات گردیده و میگردند.

هموطنان عزیز و گرامی، افغانستان خانه مشترك همه ما ست، موضوعات خانگی از طرق مسالمت آمیز، دوستی، گذشت و حوصله مندی حل و فصل میشود. بیایید که مسایل ملي و حل ناشده کشور خود را از طرق حسن نیت، تفاهم، برادری و احترام به حقوق یکدیگر حل و فصل نماییم. باید صف خود را از صف دشمنان داخلی و خارجی افغانستان جدا ساخته نگذاریم که مسایل ملي ما دستخوش تحریکات افراطیون و دشمنان افغانستان

قرارگیرد.

تجارب تاریخی نشان میدهد که دولت‌های گذشته و فعلی افغانستان مشکلات اجتماعی، قومی و سیاسی و ملی را بوقت و زمان آن حل نکرده بلکه آن‌ها را ماست مالی کرده حل آنها را به عقب انداخته‌اند که در تاریخ ما تراکم کرده باعث بحران‌های بعدی در کشور ما گردیده. معضله سرنوشت پشتون‌های آنطرف و خط دیورند بیش از شصت سال به اینطرف لاینحل مانده که از این رهگذر کشور ما خسارات زیادی را متحمل گردیده و امروز بحیث یک معضله بزرگ ملی در برابر کشور ما قرار دارد. درحالی‌که در گذشته‌ها به آسانی حل شده میتوانست. دولت‌های وقت در این مورد آگاهانه و یا نا آگاهانه غفلت کرده‌اند. معضله و حادثه بهسود که چندی قبل به کشمکش کوچی‌ها و مردم محل منجر گردید باز هم ماست مالی گردید و به آینده محول گردید. حل موضوع ایجاب میکرد که هیات باصلاحیت از علماء، دانشمندان، تاریخ دانان، حقوق و قانون دانان از اقوام مختلف افغانستان بشمول نمایندگان مردم بهسود و کوچی‌ها تعیین میگردد و ادعاهای دو طرف شنیده و یادداشت میگردد و این معضله که سابقه تاریخی دارد دقیق مطالعه و بررسی و نتیجه‌گیری میشود. مشوره‌ها و پیشنهادات مشخص در باره به دولت ارائه میگردد و موضوع در چوکات پروژه اسکان سازی کوچی‌ها در مناطق مناسب افغانستان به توافق جانبین و یا فیصله ستره محکمه افغانستان عادلانه و برای همیشه حل و فصل میگردد و به قناعت جانبین پرداخته میشود که نشد.

جنگ‌های تحمیل شده عموماً مردم یک کشور را متحد و یک پارچه میسازد که مردم ما در طول تاریخ آنرا به اثبات رسانیده‌اند. اما جنگ‌های تحمیل شده سه دهه اخیر رهبران سیاسی، اجتماعی و مذهبی افغانستان را از همدیگر بیشتر دور و متفرق ساخت که سبب بروز جنگ‌های داخلی گردید که کفاره این اشتباهات را مردم به قیمت جان و خون شان پرداختند. سلسله این تفرقه‌ها و جنگ‌ها تا امروز ادامه دارد. هیچ کس حاضر نمیشود که یک گام را هم در راه حل مسایل ملی بردارد. تکرار اشتباهات سرانجام به خیانت ملی می

انجامد.

هموطنان گرامی! دموکراسی واقعی راه کشای حل مسایل ملی ما شده میتواند. زیرا در نظام دموکراسی واقعی حقوق اکثریت و اقلیت های ملی مساویانه و عادلانه برآورده میشود. پیایید که برای تأمین صلح و دموکراسی واقعی، تطبیق بلا استثناء قوانین و اصول و موازین اجتماعی و بلند بردن سطح فرهنگ مسئولیت ملی در جامعه بطور مشترک کار و مبارزه پیگیرنماییم تا اهداف مشترک ملی ما برآورده شود و مسایل ملی ما خود بخود حل شود خداوندا - پیر و جوان، زن و مرد ما را هدایت بفرما که در راه وحدت ملی گامهای مشترک را بردارند و این آرمان دیرینه مردم افغانستان را بر آورده سازند. و من الله توفیق

۲۸ سنبله ۱۳۸۹